

تأثیر ویژگی‌های شرکتی بر تقویت اثر مدیریت سود بر کیفیت سود

مهدی علی‌نژاد ساروکلانی، نازنین نقی زادی*، جمال محمدی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساری، گروه حسابداری، ساری، ایران، M-Alinezad@iaut.ac.ir

مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد کلپیر، گروه حسابداری، کلپیر، ایران Nazanin.naghizadi@gmail.com

مدرس دانشگاه و سرحسابرس دیوان محاسبات خراسان رضوی، مشهد، ایران، Mohamady_jamal@yahoo.com

چکیده - براساس مبانی نظری، ویژگی‌های شرکتی باعث افزایش مدیریت سود و در مقابل منجر به کاهش کیفیت سود خواهد شد. از طرف دیگر طی پژوهشی اعتمادی و همکاران (۱۳۹۱) به این نتیجه رسیدند که رابطه منفی بین مدیریت سود و کیفیت سود وجود دارد. در همین راستا این پژوهش به بررسی تأثیر ویژگی‌های شرکتی شامل اهرم مالی و اندازه شرکت در افزایش اثر مدیریت سود بر کیفیت سود می‌پردازد. برای اندازه‌گیری مدیریت سود از مدل تعدیل شده جونز و برای اندازه‌گیری کیفیت سود از پایداری سود استفاده شده است. جامعه آماری شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و نمونه پژوهش شامل ۱۱۰ شرکت در بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱ می‌باشد. جهت آزمون فرض‌های پژوهش از رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که ویژگی‌های شرکتی تأثیر معناداری بر تقویت اثر مدیریت سود بر کیفیت سود ندارد.

واژه‌های کلیدی: ویژگی‌های شرکتی، اهرم مالی، اندازه شرکت، مدیریت سود و کیفیت سود

مقدمه

سود حسابداری از جمله اطلاعاتی است که به عنوان مبنایی برای تصمیم‌گیری مورد توجه قرار می‌گیرد. بنابراین امکان دستکاری در سود توسط مدیریت وجود دارد، بنابراین وجود زمینه مناسب برای تخریب سود به دلایلی همچون وجود تضاد منافع و محدودیت‌های ذاتی حسابداری مانند خطا در پیش‌بینی‌ها و برآوردها و استفاده از رویه‌های مختلف حسابداری توسط بنگاه‌ها، موجب می‌شود که سود واقعی از سود گزارش شده در صورت‌های مالی بنگاه متفاوت باشد (فروغی و محمدی، ۱۳۹۰). استقرار مناسب ویژگی‌های شرکتی، اقدامی اساسی برای استفاده بهینه از منابع، ارتقای پاسخگویی، شفافیت، رعایت انصاف و حقوق ذینفعان شرکت‌هاست. (حساس یگانه و داداشی، ۱۳۸۸)

تامین مالی شرکت‌ها نیز یکی از چالش برانگیزترین مباحث حوزه ویژگی‌های شرکت است تاکنون

مالی از طریق استقراض به علت صرفه‌جویی مالیاتی و نرخ پایین‌تر آن در مقایسه با گزینه افزایش سرمایه، راه‌حل مطلوب‌تری برای تامین مالی محسوب می‌شود. اما آنچه برای اعتباردهندگان در خصوص اعطای وام و اعتبار اهمیت دارد، توان پرداخت اصل و بهره وام و اعتبارات پرداختی توسط وام‌گیرنده می‌باشد. عموماً یکی از راهکارهایی که اعتباردهندگان جهت ارزیابی توان پرداخت اصل و بهره وام به آن توجه می‌کنند، بررسی صورت‌های مالی شرکت‌هاست. بنابراین اعتباردهندگان، اطلاعات با کیفیت‌تر و به ویژه سود با کیفیت را برای ارزیابی توان مالی وام‌گیرندگان مورد توجه قرار می‌دهند. چرا که اگر اطلاعات مالی و به ویژه سود گزارش شده، از کیفیت مطلوبی برخوردار نبوده و مبنای تصمیم‌گیری آن‌ها در اعطای اعتبار قرار گیرد، منجر به متضرر شدن اعتباردهندگان از طریق اعطای ناصحیح اعتبار می‌گردد (فروغی و محمدی، ۱۳۹۰).

میزان واکنش بازده غیر منتظره به اعلامیه سود مربوط به برخی شرکت‌ها بیشتر از سایر شرکت‌ها است. هر چه قدرت آگاهی دهندگی قیمت بیشتر باشد میزان واکنش به اطلاعات مندرج در سود خالص کمتر است و برعکس. یک شاخص برای اندازه‌گیری میزان آگاهی دهندگی قیمت، اندازه شرکت است. از آنجا که رسانه‌های گروهی اخبار مربوط به شرکت‌های بزرگ‌تر را بیشتر منتشر می‌کنند، بنابراین قیمت آنها اطلاعات بیشتری را نسبت به قیمت شرکت‌های کوچک منعکس می‌نماید و به همین دلیل توانایی سود خالص به منظور انتقال اطلاعات کاهش می‌یابد. در ضمن هر چه اندازه شرکت‌ها بزرگ‌تر باشد، مدیریت شرکت‌ها به منظور اجتناب از توجه رسانه‌ها تمایل بیشتری به استفاده از رویه‌های محافظه‌کارانه به منظور کاهش سود خالص دارند (خالقی مقدم و احمد خان بیگی، ۱۳۹۰).

صورت‌های مالی یکی از ابزارهای مهم برای تجزیه و تحلیل عملکرد شرکت است. این اطلاعات برای فرایند تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان بسیار مفید است. از انواع مختلف اطلاعات در صورت‌های مالی، سود یکی از اطلاعات مهم برای استفاده‌کنندگان است. پدول و همکاران^۱ (۱۹۹۴) به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های بزرگ روندی بیشتر برای قابلیت پیش‌بینی سود دارند و بسیاری از مطالعات قبلی نشان‌گر ۱۲ رابطه بین مدیریت سود، کیفیت سود و اندازه شرکت در استرالیا است. استوتی^۲ (۲۰۰۲) نشان داد اهرم مالی اثرات مثبت در مدیریت سود دارد و انجام مدیریت سود توسط مدیران با هدف جلوگیری از نقض قراردادهای بدهی، اثرات مهم در کیفیت سود دارد. بنابراین اهرم مالی بالا تمایل و

1. Pedwell, et al
2. Astuti

انگیزه مدیران را برای مدیریت سود افزایش داده و در نهایت اثر منفی بر روی کیفیت سود خواهد داشت (استوتی، ۲۰۰۲) براساس مطالب بیان شده، این پژوهش به دنبال بررسی این سوال می‌باشد که ویژگی‌های شرکتی چه تاثیری بر تقویت اثر مدیریت سود بر کیفیت سود دارد؟

مبانی نظری

پژوهش حاضر بر این استوار است که کیفیت اطلاعات حسابداری، از یک سو براساس تصمیمات گزارشگری مدیریت و از سوی دیگر، براساس ویژگی‌های محیط عملیاتی و تجاری بنگاه اقتصادی تعیین می‌شود. هر چند خصوصیات عملیاتی و محیط تجاری بنگاه نیز تحت تاثیر تصمیمات اجرایی مدیریت قرار دارند، با این حال، مدیران در کوتاه‌مدت توانایی تغییرات بنیادین در این خصوصیات را نداشته، در نتیجه خصوصیات عملیاتی و محیط تجاری تا حدود زیادی مستقل از تصمیمات مدیران شکل می‌گیرند. این فرض وجود دارد که بین تصمیمات گزارشگری مدیریت و خصوصیات اطلاعات شرکت رابطه وجود دارد و فرض می‌کند که سود نخستین منبع اطلاعات خاص شرکت است. برای مثال تحقیقات نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران به سود، بیش از هر معیار دیگری به عنوان معیار سنجش عملکرد، تکیه می‌کنند. علاوه بر آن، مدیران نیز سود را به عنوان یک معیار کلیدی در نظر می‌گیرند، زیرا سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران در ارزیابی‌های خود از آن استفاده می‌کنند (اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۱) اهرم مالی نسبتی است که از حاصل تقسیم بدهی‌ها بر دارایی‌ها مشتق شده است، این نسبت مقدار دارایی شرکت را که توسط بدهی‌ها به وجود آمده است را نشان می‌دهد. هر چقدر اهرم مالی بالاتر باشد ریسک برای سرمایه‌گذار بالاتر خواهد بود، بنابراین سرمایه‌گذاران نیاز بیشتری در مورد بازده شرکت‌های اهرمی دارند. مرادی (۲۰۱۰) نشان داد که نوسانات ضریب پاسخدهی سود به عنوان یک نماینده کیفیت سود وابسته به نوسانات اهرم مالی است. اهرم مالی به عنوان اطلاعات مربوط در بازار پیش‌بینی شده در نظر گرفته می‌شود. که در برابر سود شرکت واکنش نشان می‌دهد (مرادی و نظامی، ۲۰۱۰).

اهرم مالی می‌تواند اثری منفی بر کیفیت سود داشته باشد. مهم‌ترین دلیلی که در این رابطه مطرح می‌شود عبارت است از اینکه تامین مالی از طریق بدهی می‌تواند بر انتخاب رویه‌های حسابداری و قضاوت‌ها و برآوردهای مدیریت تاثیرگذار باشد و باعث گردد که مدیران اقدام به دستکاری سود نموده و در نتیجه کیفیت آن را تخریب نمایند. اعتباردهندگان برای حفظ منافع خود در شرکت وام گیرنده،

قراردادهایی را منعقد کرده و شروطی را در آن می‌گنجاند تخطی از این شروط می‌تواند هزینه‌هایی را به شرکت تحمیل نماید. اعتباردهندگان نسبت به نقض شروط قراردادهای بدهی به روش‌های متفاوتی مانند عدم اعطای اعتبار به وام‌گیرنده برای همیشه، تقاضای پرداخت فوری، افزایش وثیقه، افزایش نرخ بهره، تحمیل شروط اضافی و در نهایت نادیده گرفتن نقض شروط قرارداد توسط وام‌گیرنده، واکنش نشان می‌دهند. علاوه بر این، نقض شروط قرارداد بدهی باعث خدشه‌دار شدن اعتبار و حسن شهرت اعتبارگیرنده می‌شود و این هزینه غیر مستقیمی است که به شرکت تحمیل می‌گردد. با توجه به اینکه هزینه‌های نکول بالااست، مدیران فرصت طلب برای استفاده از روش‌های حسابداری که احتمال نقض قرارداد بدهی را کاهش می‌دهد، انگیزه پیدا می‌کنند. ویژگی‌ها و شروط قراردادهای بدهی، انتخاب رویه‌های حسابداری توسط مدیر را تحت تاثیر قرار می‌دهد، زیرا مدیران اغلب به دنبال اجتناب از نقض شروط قراردادهای بدهی می‌باشند و با انتخاب رویه‌های حسابداری خاص، می‌توانند به این هدف دست یابند. قراردادهای بدهی همچنین می‌تواند قضاوت‌ها و برآوردهای مدیریت را تحت تاثیر قرار دهد به عنوان مثال رویه‌های حسابداری و قضاوت‌های مدیریتی که می‌تواند تحت تاثیر قراردادهای بدهی قرار بگیرد عبارت از به حساب دارایی بردن بهره در مقابل هزینه بهره، روش بهای تمام شده کامل در مقابل روش کوشش‌های موفقیت‌آمیز برای شرکت‌های صنعت نفت و گاز، انتخاب روش‌های مختلف استهلاک، روش حسابداری مخارج تحقیق و توسعه، برآورد حساب‌های دریافتی غیر قابل وصول، برآورد عمر مفید دارایی‌ها، انتخاب روش‌های ارزیابی موجودی‌ها و مخارج تجدید ساختار می‌باشد. انتظار می‌رود که فرصت طلبی مدیران برای اجتناب از نقض شروط قراردادهای بدهی، با افزایش اهرم مالی افزایش یابد. یک سطح از مداخله مدیریتی برای اجتناب از نقض شروط قرارداد بدهی، انتخاب رویه‌های افزایش سود یا کاهش سود است، هر چند مدیران بیشتر از رویه‌های افزایش سود استفاده می‌نمایند (فروغی و محمدی، ۱۳۹۰)

اندازه شرکت مبنایی است که توانایی شرکت را در مدیریت تجاری نشان می‌دهد. هر چقدر اندازه شرکت بالاتر باشد توانایی بیشتری در فعالیت مدیریتی و تجاری خواهد داشت. در ارتباط با تئوری سازمان، مدیران اطلاعات بیشتری نسبت به مالکان دارند، بنابراین مدیران سعی می‌کنند که عملکرد بهتری را نسبت به مالکان برای حفظ وضعیت موجود نشان دهند. این شرایط مدیران را تشویق می‌کند که عملکرد مدیریت سود را بیشتر انجام دهند. بنابراین شرکت با اندازه بزرگ عملیات مدیریت سود را بیشتر انجام می‌دهند که این خود سبب کاهش کیفیت سود است (فاروق و سویونو، ۲۰۱۳).

پیشینه تحقیق

تحقیقات خارجی

جی و کیم^۱ (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان شروط بدهی و مدیریت سود واقعی به بررسی تصمیم‌های مدیریت سود واقعی و ارزش قراردادهای بدهی پرداختند. نتایج بررسی نشان می‌دهد شرکت‌ها به منظور جلوگیری از تخطی از شرط‌های بدهی، از مدیریت سود واقعی استفاده می‌کنند. یوماتلو^۲ (۲۰۱۰) در پژوهشی به بررسی ارتباط اهرم مالی و تصمیمات سرمایه‌گذاری برای شرکت‌های تولیدی بورس در کشور ترکیه پرداخته است. خلاصه یافته‌های پژوهش حاکی از این مطلب است که اهرم مالی تاثیر منفی بر تصمیمات سرمایه‌گذاری دارد.

فاروق و سویونو (۲۰۱۳) طی پژوهشی به بررسی ارتباط بین بازده بازار و حاکمیت شرکتی، مدیریت سود در چشم‌انداز بازار پرداختند و نتایج ارتباط معناداری بین ویژگی‌های شرکتی با مدیریت سود و کیفیت سود وجود دارد. آچمپونگ و همکاران^۳ (۲۰۱۴) طی پژوهشی به بررسی ارتباط اهرم مالی و اندازه شرکت بر روی بازدهی سهام پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش این است که ارتباط بین اندازه شرکت و بازده سهام مثبت و معنی‌دار است.

تحقیقات داخلی

نوروش و یزدانی (۱۳۸۹) طی پژوهشی به بررسی تاثیر اهرم مالی بر سرمایه‌گذاری در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران پرداختند، که نتایج نشان می‌دهد که رابطه منفی و معنی‌داری بین اهرم مالی و سرمایه‌گذاری برقرار است. که ارتباط اهرم - سرمایه‌گذاری با فرصت رشد کمتر، قوی‌تر از شرکت‌های با فرصت رشد بیشتر است. فروغی و محمدی (۱۳۹۰) در پژوهشی چگونگی ارتباط تامین مالی از طریق بدهی و کیفیت سود پرداختند نتایج این بود که عوامل متعددی بر روی کیفیت سود اثرگذار است که می‌توان به تامین مالی از طریق بدهی اشاره نمود. اما آنچه که باعث نگرانی بود امکان مداخله نادرست مدیریت در سود است.

ایزدی نیا و همکاران (۱۳۹۲) طی پژوهشی بررسی رابطه بین اهرم مالی و مدیریت سود واقعی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج بررسی نشان می‌دهد که بین اهرم مالی و معیارهای مدیریت واقعی، رابطه‌ی معکوس و معنادار وجود دارد.

1- Ge and kim

2- Umutlu

3- Acheampong, et al

۱) اهداف و فرضیه‌های تحقیق

با توجه به مبانی نظری مطرح شده و پژوهش‌های پیشین، فرضیه‌های اصلی پژوهش به صورت زیر تدوین شده است.

فرضیه اول: اهرم مالی بر افزایش اثر مدیریت سود بر کیفیت سود تاثیر دارد.

فرضیه دوم: اندازه شرکت بر افزایش اثر مدیریت سود بر کیفیت سود تاثیر دارد.

۲) روش پژوهش

۱-۲) جامعه آماری و نمونه آماری:

جامعه آماری این پژوهش شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که دارای شرایط زیر می‌باشند.

۱) تا پایان سال ۱۳۹۱ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده‌اند.

۲) پایان سال مالی آنها ۲۹ اسفند ماه باشد. و از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱ در بورس فعال باشند.

۳) اطلاعات مالی مورد نیاز به ویژه یادداشت‌های پیوست صورت‌های مالی جهت استخراج داده‌ها

در دسترس باشند.

۴) شرکت‌ها طی قلمرو زمانی تحقیق، تغییر در سال مالی نداشته باشند.

۳) مدل پژوهش

مدل ۱

$$EQ_{it} = \beta_0 + \beta_1 EM_{it} + \beta_2 LEV_{it} + \beta_3 EM_{it} \times LEV_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \beta_5 CRP_{it} + \varepsilon_{it}$$

EQ_{it} = کیفیت سود = EM_{it} = مدیریت سود = LEV_{it} = اهرم مالی = ROA_{it} = بازده دارایی‌ها = CRP_{it}

= نسبت عملکرد جاری صنعت = ε_{it} = برآورد خطا

مدل ۲

$$EQ = \beta_0 + \beta_1 EM_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 EM_{it} \times SIZE_{it} + \beta_4 ROA + \beta_5 CRP_{it} + \varepsilon_{it}$$

EQ_{it} = کیفیت سود = EM_{it} = مدیریت سود = $SIZE_{it}$ = اندازه شرکت = ROA_{it} = بازده دارایی‌ها = CRP_{it} = نسبت عملکرد جاری صنعت = ε_{it} = برآورد خطا

کیفیت سود: که با معیار مدل پایداری سود اندازه‌گیری شده است. پایداری به عنوان ساختاری از

کیفیت سود از رویکرد مفید بودن در تصمیم‌گیری مشتق شده است و پایداری سود تابعی از محیط عملیاتی است.

$$E_{it} = \beta_0 + \beta_1 E_{it-1} + \varepsilon_{IT}$$

E_{it} = سود عملیاتی جاری = E_{it-1} = سود عملیاتی سال قبل

مدیریت سود: روشی که توسط مدیریت جهت دستکاری داده به کار می‌رود. مدیریت سود دخالت عمدی در فرایند گزارشگری مالی خارجی با قصد آوردن سود است. دیچو و همکاران (۱۹۹۵) برای از بین بردن محدودیت مدل جونز یعنی فرض غیراختیاری بودن درآمد فروش اقدام به تعدیل درآمد از طریق تغییرات حساب‌های دریافتی نمودند. در این مدل فرض می‌شود که تمام تغییرات در فروش نیمی از مدیریت ناشی می‌شود. بنابراین با وارد کردن تغییرات حسابهای دریافتی در مدل اولیه جونز، مدل تعدیل شده جونز به شرح زیر ارائه می‌شود (رحمانی و بشیری منش، ۱۳۹۲)

$$TAC_{it} = NI_{it} - CFO_{it}.$$

$$NDA_{it} = \beta_1 \left(\frac{1}{A_{it-1}} \right) + \beta_2 \left(\frac{\Delta Rev - \Delta Rec}{A_{it-1}} \right) + \beta \left(\frac{PPE}{A_{it-1}} \right) + \varepsilon_{it}$$

$$DA_{it} = TAC_{it} - NDA_{it}$$

TAC_{it} = اقلام تعهدی کل DA_{it} = اقلام تعهدی اختیاری CFO_{it} = جریان وجه نقد حاصل از فعالیت‌های عملیاتی NI_{it} = سود خالص در دوره NDA_{it} = اقلام تعهدی غیراختیاری ΔRev = تغییر در کل درآمد سال t و $t-1$ A_{it-1} = کل دارایی‌های سال قبل ΔRec_{it} = تغییر در کل حسابهای دریافتی t و $t-1$ ε_{it} = برآورد خطا PPE = اموال، ماشین آلات و تجهیزات

اهرم مالی: حاصل تقسیم جمع بدهی‌ها بر جمع کل دارایی‌ها

$$LEV_{it} = \frac{\text{جمع بدهی ها}}{\text{کل دارایی شرکت}}$$

اندازه شرکت: لگاریتم طبیعی فروش

$$SIZE = \ln \text{ فروش}$$

بازده دارایی: یکی از مهمترین معیارها برای سنجش کارایی مدیران به خصوص برای نظارت بر مراکز سرمایه‌گذاری است که از سود عملیاتی بر کل دارایی‌های شرکت اندازه‌گیری می‌شود.

$$ROA = \frac{\text{سود عملیاتی}}{\text{کل دارایی شرکت}}$$

عملکرد نسبی صنعت جاری: نسبت سود عملیاتی بر جمع دارایی‌های ابتدای دوره

$$CRP = \frac{\text{سود عملیاتی}}{\text{کل دارایی ابتدای دوره}}$$

یافته‌های پژوهش

جدول (۱) آمار توصیفی

متغیرها	تعداد داده‌ها	میانگین	انحراف معیار	مینیمم	ماکزیمم
کیفیت سود	۷۶۳	۹,۶۹۵-10	۰.۲۸۴	-4.278597	۱,۸۶
مدیریت سود	۷۶۳	-.5217941	۴۰,۶۶	-970.691	۲۸۱,۱۷۱
اهرم مالی	۷۶۳	۰۶۴۷۲۷۶۶	۰۳۸۲۸۵۱۳	0.1109	۳,۰۶۴
اندازه شرکت	۷۶۳	۱۲,۷۶۵۱۳	۱,۲۵۸۸۸۱	۹,۱۲۹۳۴۱	۱۷,۰۲۳
بازده دارایی‌ها	۷۶۳	01501155	.1641892	-.3484415	۱,۸۴
فرصت‌های رشد	۷۶۳	01767565	01829504	-.3374643	۱,۹۹

آمار استنباطی

نتایج برای آزمون فرضیه اول در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۲: نتایج حاصل از برآورد مدل ۱

متغیرها	ضرایب	آماره t	p-value
مدیریت سود	۰/۰۱	۰/۴۰	۰/۶۹
اهرم مالی	۰/۴۴	۱/۳۸	۰/۱۷
مدیریت سود * اهرم مالی	-۰/۰۲۲	-۰/۴۹	۰/۶۳
بازده دارایی	-۰/۵۲	-۱/۰۴	۰/۳۰
عملکرد نسبی صنعت	۲/۶۶	۴/۱۳	۰/۰۰۰
عرض از مبدا	-۳/۳۷	-۱۴/۴۸	۰/۰۰۰
Fمعنی داری کل رگرسیون	۹/۴۵		۰/۰۰۰
R ²	۰/۱۳	-	-
F لیمر	۱/۷۴		۰/۰۰۰۲
آزمون هاسمن	۲/۶۰	-	۰/۷۶
آزمون ناهمسانی واریانس	۰/۸۹	-	۰/۳۴
آزمون خودهمبستگی	۰/۲۱	-	۰/۶۴
آماره جارک - برا		۱/۲۸	
کای - دو		۱۱/۰۷	

برای بررسی نرمال بودن داده‌ها از آزمون جارک - براء استفاده می‌شود. هرگاه مقدار آماره جارک - براء از مقدار کای - دو محاسبه شده کمتر باشد نشان می‌دهد فرضیه صفر مبنی بر نرمال بودن داده‌ها تایید می‌شود. یعنی داده‌ها دارای توزیع نرمال هستند. براساس نتایج بدست آمده ملاحظه می‌گردد احتمال آماره F لیمر محاسباتی از ۰/۰۵ کمتر بوده در نتیجه روش داده‌های تابلویی انتخاب می‌شود و بایستی از روش داده‌های تابلویی استفاده گردد. همچنین نتایج آزمون هاسمن نشان می‌دهد اثرات تصادفی تایید شده و بایستی اثرات تصادفی گزارش شود.

نتایج نشان می‌دهد که اگر چه مدیریت سود بر کیفیت سود تاثیر معنادار و مثبت دارد. ولیکن اهرم مالی دارای تاثیر معنی‌دار نمی‌باشد. همچنین اثر متقابل مدیریت سود و اهرم مالی بر کیفیت سود معنادار نمی‌باشد. که باعث عدم پذیرش فرضیه شده است و بیانگر این موضوع است که اهرم مالی باعث تقویت اثر مدیریت سود بر کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نمی‌شود. برای تحلیل نتایج آزمون فرضیه فرعی دوم داریم:

جدول ۳: نتایج حاصل از برآورد مدل ۲

متغیرها	ضرایب	آماره t	p-value
مدیریت سود	-۰/۱۲	۱/۴۵	۰/۱۴
اندازه شرکت	-۰/۰۷	-۱/۵۸	۰/۱۱
مدیریت سود * اندازه شرکت	۰/۰۱۱	۱/۴۲	۰/۱۵
بازده دارایی	-۰/۷۵	-۱/۰۴	۰/۳۰
عملکرد نسبی صنعت	۲/۵۲	۴/۱۶	۰/۰۰۰
عرض از مبدا	-۲/۱۶	-۳/۵۸	۰/۰۰۰
F معنی‌داری کل رگرسیون	۹/۳۹		۰/۰۰۰
R ²	۰/۱۲	-	-
F لیمر	۱/۷۵		۰/۰۰۰۲
آزمون هاسمن	۱/۲۸	-	۰/۹۴
آزمون ناهمسانی واریانس	۲/۴۱	-	۰/۱۲
آزمون خودهمبستگی	۰/۷۸	-	۰/۳۸
آماره جارک - بر		۰/۹۲	
کای - دو		۱۱/۰۷	

برای بررسی نرمال بودن داده‌ها نیز از آزمون جارک - براء استفاده می‌شود. هرگاه مقدار آماره جارک - براء از مقدار کای - دو محاسبه شده کمتر باشد نشان می‌دهد فرضیه صفر مبنی بر نرمال بودن داده‌ها تایید می‌شود. یعنی داده‌ها دارای توزیع نرمال هستند. بر اساس نتایج بدست آمده ملاحظه می‌گردد احتمال آماره F لیمر محاسباتی از $0/05$ کمتر بوده در نتیجه روش داده‌های تابلویی انتخاب می‌شود و بایستی از روش داده‌های تابلویی استفاده گردد. در روش داده‌های تابلویی برای انتخاب روش اثرات ثابت یا تصادفی از آزمون هاسمن استفاده می‌شود که نتایج این آزمون نشان می‌دهد اثرات تصادفی تایید شده و بایستی اثرات تصادفی گزارش شود.

نتایج نشان می‌دهد که مدیریت سود بر کیفیت سود به ترتیب تاثیر معناداری ندارد. اندازه شرکت دارای تاثیر معنی‌دار نمی‌باشد. همچنین اثر متقابل مدیریت سود و اندازه شرکت معنادار نمی‌باشد که باعث عدم پذیرش فرضیه شده است. و بیانگر این است که اندازه شرکت، باعث تقویت اثر مدیریت سود بر کیفیت سود در شرکت‌های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران نمی‌شود.

بحث و نتیجه گیری

سود به عنوان یکی از مهم‌ترین خروجی‌های سامانه حسابداری، همواره مورد توجه استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی از جمله اعتباردهندگان قرار داشته است. اما میزان اتکاپذیری آن در تصمیم‌گیری‌ها، به علت استفاده از مبنای تعهدی در محاسبه این رقم و امکان دستکاری آن توسط مدیریت، مورد شک و تردید واقع شده است. این موضوع، سبب طرح مفاهیمی همچون کیفیت سود شده و استفاده‌کنندگان از سود حسابداری را به این سمت سوق داده است که برای استفاده از سود به عنوان یک منبع اطلاعاتی، علاوه بر کمیت سود حسابداری باید به کیفیت سود و عوامل اثرگذار بر آن نیز توجه شود (فروغی و محمدی، ۱۳۹۰)

با افزایش اهرم مالی انگیزه‌ی مدیران برای مدیریت سود افزایش می‌یابد. افزایش اهرم مالی و به دنبال آن فشار ناشی از قراردادهای بدهی می‌تواند باعث کاهش فرصت انجام رفتارهای فرصت طلبانه از طرف مدیران گردد و به عبارت دیگر آنان را محتاط‌تر می‌نماید. از طرفی مدیریت سود از طریق دستکاری فعالیت‌ها می‌تواند هزینه‌هایی همراه داشته باشد (ایزدی نیا و همکاران، ۱۳۹۲) نتایج بدست آمده در این پژوهش، برخلاف پژوهش فاروق و سویونو در (۲۰۱۳) ویژگی‌های شرکتی تاثیر معناداری بر تقویت اثر مدیریت سود بر کیفیت سود ندارد. یکی از دلایل این عدم انطباق می‌تواند این باشد که از ویژگی‌های

شرکتی، اندازه شرکت در این پژوهش با توجه به معیار لگاریتم طبیعی فروش اندازه گیری شده، ولی در پژوهش فاروق و سویونو براساس معیار لگاریتم طبیعی دارایی‌ها اندازه گیری شده است، دلیل تفاوت ناشی از این است که در ایران اهمیت زیادی بر ارزش فروش داده می‌شود و همچنین دارایی‌ها با معیار اندازه گیری بهای تمام شده تاریخی است که ارزش دقیق دارایی‌ها را نشان نمی‌دهد و میزان فروش رابطه مستقیمی با سود دارد که از اهمیت زیادتری برخوردار است. فرصت طلبی مدیران برای اجتناب از نقض شروط قرارداد بدهی باعث ایجاد انگیزه در مدیران برای انجام مدیریت سود است. اهرم مالی دارای تاثیر معنادار در مدیریت سود بر کیفیت سود نمی‌باشد این تفاوت ناشی از تفاوت کیفیت اطلاعات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است.

منابع و ماخذ

۱. اعتمادی، حسین، مومنی، منصور، فرج‌زاده دهکردی، حسن، (۱۳۹۱). «مدیریت سود، چگونه کیفیت سود شرکت‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد». مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، سال چهارم، شماره ۲، شماره پیاپی (۱۲). صفحه ۱۰۱ تا ۱۲۲.
۲. ایزدی‌نیا، ناصر، ربیعی، حامد، حمیدیان، نرگس، (۱۳۹۲). «بررسی رابطه بین اهرم مالی و مدیریت سود واقعی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران». مجله پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز. دوره پنجم، شماره ۱ اول. بهار و تابستان ۱۳۹۲ پیاپی ۳، ۶۴. صفحه‌های ۳۳ تا ۵۴.
۳. رحمانی، علی، بشیری منش، نازنین، (۱۳۹۲). «بررسی قدرت کشف مدل‌های مدیریت سود». مجله تحقیقات حسابداری و حسابرسی. شماره نشریه ۱۹. پاییز ۱۳۹۲
۴. فروغی، داریوش، محمدی، هاجر. (۱۳۹۰). «چگونگی ارتباط تامین مالی از بدهی و کیفیت سود». پژوهش حسابداری، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۰
۵. حساس یگانه، یحیی، داداشی، ایمان. (۱۳۸۸). «تاثیر حاکمیت شرکتی بر تصمیمات حسابرسان درباره ریسک و برنامه‌ریزی» پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی. ۱۳۸۹؛ (۵): ۳۹-۶۳.
۶. نوروش، ایرج، یزدانی، سیما، (۱۳۸۹). «بررسی تاثیر اهرم مالی بر سرمایه‌گذاری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران». مجله پژوهش‌های حسابداری مالی. سال دوم، شماره دوم، شماره پیاپی ۴، صفحه ۳۵ تا ۴۸.
7. Acheampong, Prince. Agalega, Evans. KwabenaShibu, Albert. (2014). (The effect of Financial Leverage and Market size on Stock Returns on the Ghana

- Stock Exchange: Evidence from Selected Stocks in the Manufacturing Sector). *International Journal of Financial Research*.vol 5, no1
8. Astuti, David. 2002. "Analysis of Factors Affecting Earning Management Motivation, around Right Issue". *Thesys of Master Accounting, Gajah MadaUniversity, Indonesia*, retrived from www.etd.ugm.ac.id/index/php at 21 February 2012
 9. Al Farooque, Omar, Suyono, Eko. (2013) «Link between Market Return, Governance and Earnings Management: An Emerging Market Perspective». working papers series. <http://ssrn.com/abstract=2316121>
 10. Ge, wenxia. Kim, Jeong-bon. (2010). Real Earnings Management and Cost of Debt.CAAA Annual Conference
 11. Moradi, Mohamad. A., and Nezami, Ali. 2010. "Influence of Ownership Structure on Earning Quality in the Listed Firms Tehran Stock Exchange". *International Journal of Business Administration*.Vol. 2, No. 4.
 12. Umutlu, Mehmet,. (2010). Firm leverage and investment decisions in an emerging market .*International Journal of Methodology*, Forthcoming,.
 13. <http://ssrn.com/abstract=1485350>